
دیوان یوسف بخشی خوانساری

«نویس خوانساری»

بیگدا

یوسف بخشی خوانساری - مرتضی اشرفی

به کوشش

محمد جواد بخشی

سرشناسه: بخشی خوانساری، یوسف، ۱۲۹۸-۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: دیوان بخشی خوانساری (به گویش خوانساری) / برگردان یوسف خوانساری، مرتضی اشرفی
به کوشش محمدجواد بخشی
مشخصات نشر: تهران: کندوکاو، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۳۲ ص. مصور
شابک: 978-600-6363-14-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: چاپ قبلی: نشر دیدار، ۱۳۷۶
موضوع: شعر خوانساری — قرن ۱۴
موضوع: khonsari poetry _ 20th century
موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴
موضوع: persian poetry _ 20th century
شناسه افزوده: اشرفی، مرتضی
شناسه افزوده: بخشی، محمدجواد، ۱۳۲۳ - ، گردآورنده
رده‌بندی دهگانه: ۱۳۹۶ ب ۳ ۸۴۳ خ / PIR۳۷۶
رده‌بندی دیوبی: فا ۸/۸۱۹
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۱۸۱۸۹



دیوان یوسف بخشی خوانساری

برگردان: یوسف بخشی خوانساری - مرتضی اشرفی

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: زمستان ۱۳۹۷، آماده‌سازی، حروف‌نگاری: دفتر سرکنش‌کاو

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۶۳-۱۴-۱

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۳۳۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات کندوکاو

خیابان شهید مدنی، کوچه‌ی باقرنژاد، شماره‌ی ۳۲، تهران ۱۶۳۸۹

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.ir

قیمت: ۴۰,۰۰۰ تومان

فهرست

۱۵	پیشگفتار
۱۹	دیباچه
۲۱	مقدمه
۲۳	تقریظ
۳۱	بخش اول : زائله / غنچه
۳۳	دل بی قرار گردا / دل بی قرار می گشت
۳۴	مُن از خوسار چانی / من از خوانسار می آیم
۳۵	مَنیم کَر خرابم کَر / مستم کن خرابم کن
۳۶	یاد هاما اِدکِرِه / یاد ما میکنی
۳۷	آزارِ دینانی / آزار می بینم
۳۸	از یا اِدودشت / از اینجا می گذشت
۳۹	دِلدارم کُشیه / دلدارم چه شد؟
۴۰	اِداژِه نی؟ گِه هُو / گویی نیست ؟ هست
۴۱	اونشینی / آن شب
۴۲	از خدامون اِدگُوا / از خدا می خواستیم
۴۳	بلبل زلَوته وِرشا / بلبل ز لانه برخاست
۴۴	پِه مِیدون اِشِه / به میدان می رفت
۴۵	ای وِرزگر / ای بزرگر
۴۶	اَفسوَنه مون بَسات / افسانه ساختیم

۴۷ مَخ گِنا / گم شد
 ۴۸ با نونِ هُشک / با نان خشک
 ۴۹ شَمعِ اِگر واگُشته به / شمع اگر خاموش بود
 ۵۰ اِگِ به هر کی / اگر به هر کس

بخش دوم: وشکو / شکوفه

۵۳ به خوسار اِشَمی / به خوانسار می رویم
 ۵۴ تیار آرس / هر چون عروس
 ۵۵ مَن در پیر اِشان / من به دنبال دل می روم
 ۵۶ بیماز ای ما / به من بگو ای ماه
 ۶۰ کاشکا / ای کس
 ۶۱ گوشموندارت (۱) / خواهش می داشتیم
 ۶۲ به خُمیدی / به خواب / دیدم
 ۶۳ به دتی پَندِردا مانیز / مادری / دخترش / ز می داد
 ۶۴ اِبدی کاش / ای کاش می دیدم
 ۶۵ دل مین راه مونو / دل در نیمه راه می ماند
 ۶۶ چپوگرت ؟ / چه باید کرد؟
 ۶۷ نازِم تیرنا / ناز می خریدم
 ۶۸ سیلَندران و سیفیلان / درمانده و سرگردانم
 ۶۹ تو خا / تو که
 ۷۰ دِلِز به حال مَن اِشت / دلش به حال من می سوخت
 ۷۲ ها کِس / نشسته بود
 ۷۴ پا به پا اِشَیدمی / پا به پا می رفتیم
 ۷۵ به فکر شهرم کان / به فکر شهر خود می افتم
 ۷۶ بیماز / به من بگو
 ۷۷ سَر هر گُدار گیران / سر هر گذر را می گیرم
 ۷۸ به یاد قدیما کِفتان / به یاد گذشته ها افتادم
 ۸۲ صَحِب یَگ رو / بامداد یک روز
 ۸۸ وا پُرسیدین / پرسید
 ۸۹ هر دو اِدو شَیدمی / هر دو می دویدیم

- ۹۰ ایمگو بشانی / می خواهم بروم
- ۹۲ باکیسی / با نگاهی
- ۹۳ اشگِ مُونِرِت / اشک می ریختیم
- ۹۴ دیر مُونِرِت / دور می ریختیم
- ۹۵ دومَنِ دِلدار مُونِگِفِت / دامن دلداری می گرفتیم
- ۹۶ دَرِ سِرِنِگا / بهانه می گرفت
- ۹۷ دِرِ کَلْک / در منقل
- ۹۸ مانی مَن / بار من
- ۱۰۰ هیموند / به ای می دادیم
- ۱۰۱ یار مَن کاشه؟ / یار من سرفه؟
- ۱۰۲ لالَه وَختی دیندین / وقتی کاله را می بینید
- ۱۰۳ پَسِ اِبِی کئی / پس کی ذکر
- ۱۰۴ دو قَلايِ نَر و مایه / دو کلاغ تر شده
- ۱۰۶ بیدادِ نِگیا به افریقا / بیداد اروپاییان در افریقا
- ۱۰۸ حاشامونکرت / حاشا می کردیم
- ۱۰۹ دِر اِر سیر اِشَمی / به ارسور می رویم
- ۱۱۰ یار مَن ماری زمینو / یار من ماه روی زمین است
- ۱۱۱ وَختی گِه بیو دیسو / هنگامی که به من می چسبد
- ۱۱۲ نَما هامونکرت / نماز می خواندیم
- ۱۱۴ بِمَشِنَقِیَه / شنیده بودم
- ۱۱۵ یِه گلزارِ وُزَنان / به گلزار می دوم
- ۱۱۶ پیرِ یَتیم و دِتِ پَسیر / پسر بی پدر و دختر بی مادر
- ۱۲۰ اِچان و وادیوزان / می آیم و ترا پیدا می کنم
- ۱۲۱ وادیوزانی / ترا خواهم جست
- ۱۲۲ بَرِبَرِت دِل ز دَتیم / دل از دستم برد
- ۱۲۳ هیشکی / هیچکس
- ۱۲۴ کُمِش / مقنی
- ۱۲۶ نَذنان به یاد تاره؟ / نمی دانم به یاد می آوری؟
- ۱۲۸ اِچو وُشند / باران می آید
- ۱۳۰ وامرِ تمی / پژمرده شدیم

- ۱۳۱ را به غمخوارم نَپرِت / راه به غمخوار نبردم
- ۱۳۲ صحرا بوی واهاردو / صحرا بوی بهار می دهد
- ۱۳۳ ترک هرچیمونوات / ترک هر چیز می گفتیم
- ۱۳۴ چه شَباشی اِدکِرَنده / چه هلهله می کنند
- ۱۳۵ کا بَشِتِه / کجا رفتی
- ۱۳۶ پکا باره / طاقت بیاور
- ۱۳۷ پِشِشی خوسارکسَدین / زیبایی خوانسار را بنگرید
- ۱۳۸ دلِ وام تَه / دل پژمرده
- ۱۳۹ اِدخِنایِمی / می خندیدم
- ۱۴۰ گُمگُمی میکُرت / قلدری می کردم
- ۱۴۱ ورتِشیدَم / بر می خاستم
- ۱۴۲ گُلامَد / الک الک
- ۱۴۳ قَصَنی / از راه عمد
- ۱۴۴ بی باگنی ای جَرخ / بی پشوری ای پَرخ
- ۱۵۰ به پیرم / به پسرَم
- ۱۵۲ اِلخلاق / نیمتنه
- ۱۵۳ بَزگُشَتِمی / ما را کشت
- ۱۵۴ بی افاقَه به / بی نتیجه بود
- ۱۵۵ مِس تو هاکیمی / در بر تو نشسته ایم
- ۱۵۶ کِنَدینَه نَداران / کندوی عسل ندارم
- ۱۵۷ لَی کرکُخون اِشیدِمی / به لب کرکخان می رفتیم
- ۱۵۸ تیرِوارا / تیر می بارید
- ۱۵۹ وِزسایِ بَشِتِه / برخاستی و رفتی
- ۱۶۰ کوَقِمون پِرَنوَمی / قوز ما درآمده است
- ۱۶۱ مَقَتِد اِثیرنَندِه / ترا مفت می خرند
- ۱۶۲ اِیدِرِیز کِرانی / پرهیز می کنم
- ۱۶۳ مَن تو نَدخاسان / من ترا نمی گیرم
- ۱۶۴ غمخوارم نَدارت / غمخوار نداشتم
- ۱۶۵ بام اِچَدین یا نَچَدین؟ / با من می آید یا نمی آید؟
- ۱۶۶ هاما نَموَنِشَت / ما نمی گذاشتیم
- ۱۶۷ مَن گنج کُد پِرانی؟ / مرا با گنج چه کار؟

۱۶۸	از دَرزِ بَرِ اِچانی / از شکاف در می آیم
۱۶۹	انگاردِ کِرت / می پنداشتی
۱۷۰	بوی خوشِ سُؤ اِچو / بوی خوشِ سیب می آید
۱۷۱	اِدوُسیدی می / می دیدیم
۱۷۲	نَه اِندیمن / نه به این اندازه
۱۷۳	دنیایِ گِفت / دنیا را می گرفت
۱۷۴	کُمونیرت / می خواهیم چه کنیم
۱۷۵	هَم هِلا بُورَه / هم اکنون بیا
۱۷۶	بداِرسال / به رسم می رسم
۱۷۷	پِدواتیه / گفته به دی
۱۷۸	مونیس تو یان / مونیس تو هم
۱۷۹	عَقِبِ اَفْتُو اِدوَرُو / به دنیا افتاد می د
۱۸۰	گوشموندارت (۲) / نگاهش می داشتم
۱۸۱	وَدخانیه / بد که نبود
۱۸۲	وِشمونم نده / به من فرصت مده
۱۸۳	سیلوردِ بَگفتی / تدارک دیده ای
۱۸۴	علی کیه؟ / علی که بود؟
۱۸۵	بخش سوم : محوَره / صندوقچه (رباعیات و دوبیتی ها)
۲۶۱	بخش چهارم : ترانه خوانسار
۲۶۳	الف : غزلیات
۲۶۴	رَنگِ دیمِد پَرَنه به / رنگِ رخت پریده بود
۲۶۵	بی دِر نی / نیست
۲۶۶	عار نی / عار نیست
۲۶۸	فَکَرِ تو / فکر تو
۲۶۹	بُر ندارو / دید ندارد
۲۷۰	کِفَتِه به / افتاده بود
۲۷۱	بَشیه / برف
۲۷۲	بِجمرِ به / شکسته بود
	بَشتان / رفتم

- ۲۷۳ خوشحالد / خوشا به حالت
- ۲۷۴ حکایت کا به / داستان کجا بود
- ۲۷۵ مَن / مَن
- ۲۷۶ قول و قرار / قول و قرار
- ۲۷۷ گُلگله / قطره قطره
- ۲۷۸ آلیچه چه دلسنگه...؟! / نفرین بر تو که چه دلسنگی!
- ۲۸۰ دیت وَر بخت / دختر دم بخت
- ۲۸۲ پند / پند
- ۲۸۳ ما شاول / ماه شب اول
- ۲۸۴ سفارش و رزگزه / سفارش برزگر
- ۲۸۵ درد دل ز ما از جری / درد دل داماد از مادر زن
- ۲۸۶ اندرز بُیا به پیر / اندرز پدر به پسر
- ۲۸۷ دلم نَحمر / دلم را نشکن
- ۲۸۸ پیر و د / پسر بد
- ۲۹۰ دانی تنگ / دهان تنگ
- ۲۹۴ نه دل داران نه سر! / نه دل دارم نه
- ۲۹۵ و رپومه به / اندازه گیری شده بود
- ۲۹۶ تیار ریگ ته جو به / همانند ریگ ته جوی باش
- ۲۹۸ هی آشتر گریه نکر / هی شتر گریه مکن
- ۳۰۰ بَش شین و رگا به گه چَند کِرو / برو چون شن در محل بستن و بانش کردن ب باش که..
- ۳۰۱ هر دو جیر ته گاه به گاه / هر دو شکسته گاه به گاه
- ۳۰۲ و رگیر و بش / بردار و برو
- ۳۰۴ نی / نیست
- ۳۰۵ تو گه! / تو که!
- ۳۰۶ وَح گه تیت ملیچ خورته ی مَن / وه که توت گنجشگ خورده ی مَن
- ۳۰۸ آتَر د نی! / اثری از تو نیست!
- ۳۰۹ کاجیک دانی مردمه یانی! / آدامس دهان مردم هستم!
- ۳۱۰ بخت اگر پا هاندو یخصیر پُچارم نِه / بخت اگر پا ندهد تقصیر از کفشم نبود
- ۳۱۲ زَن تُک سیا! / زن سیاه بخت
- ۳۱۴ بد اقبالدان / بد اقبال بودم
- ۳۱۵ ب : رباعیات و دوبیتی ها

پیشگفتار

زبان و ادبیات هر کشور آئینه‌ی تمام نمای فرهنگ و آداب و رسوم آن کشور محسوب می‌شود که بدو، نقش گویش‌های مختلف نقشی اساسی در غنای ادبی آن دارند. در ایران، این سرزمین باستانی و دارای ادبیات غنی، گویش‌های بسیاری وجود دارد که هنوز کاملاً شناخته نشده است و باید مورد شناسایی و بررسی بیشتر قرار گیرد و به عنوان میراث فرهنگی از آنها پاسداری شود. در رد گذر این مهم، شایسته است از بزرگانی چون شادروان یوسف بخشی خوانساری که تمام عمرش را صرف حفظ و پاسداری از گویش‌های محلی کشور خود کرده‌اند، تقدیر نمود و شایسته است، حیات، علاقه، پشتکار و پایداری شان را ستود و با چاپ آثار ارزشمندشان بر غنای فرهنگی این مرز و بوم افزود.

متأسفانه، در زمان حیات شاعر معرعه آثار و منتشر نشد و پس از فوت ایشان نیز گردآوری و انتشار این آثار تاکنون به تأخیر افتاده است. اما اینک پس از مدت‌ها تلاش و با استفاده از همکاری دوستان او، مجموعه‌ای از اشعارش به گویش خوانساری در دسترس علاقه‌مندان وی قرار می‌گیرد. هرچند این مجموعه نیز کم‌کم آثار و سروده‌های او به گویش خوانساری را در بر نمی‌گیرد، ولی قسمت اعظم غزلیات، قصاید، رباعیات و دوبیتی‌های وی را شامل می‌شود.

شرح حال مرحوم یوسف بخشی را اندیشمند فرزانه، جناب آقا فضل اله زهرائی، در مقدمه‌ای آورده‌اند و تکرار آن را در اینجا ضروری نمی‌بینم. تنها به این نکته اشاره می‌کنم که بخشی، شاعری آزاده، متواضع، فروتن بود. شاعری بود خوش قریحه و سرشار از ذوق و شوق که علیرغم مشکلات و فقدان فراغت بال و آسودگی خیال توانست نام خوانسار و گویش زیبای آن را زنده نگهدارد و از خطر فراموشی نجات دهد.

شاعر افتخار آفرین خوانسار، در دوران زندگی مملو از گرفتاری و در عین حال پربارش همیشه به مطالعه مشغول بود و آنچه را که فرا می‌گرفت، در اشعار زیبایش مورد استفاده قرار می‌داد و بیشتر وقت خود را به خواندن و مطالعه کتاب‌های تاریخی، مذهبی و دیوان شعرای پیشین و معاصر کشور می‌گذراند و بهمین جهت او را گنجینه‌ی متحرکی از ادبیات و تاریخ ایران زمین باید تلقی کرد. شاعری بسیار خوش بیان و مجلس‌آرا بود، محفلش خسته‌کننده نبود، آنچه

می‌گفت توصیف و تعریف از خوانسار، طراوت و زیبایی شهر و انعکاسی از دل‌بستگی‌هایش به این شهر یعنی زادگاهش بود. به‌گویش خوانساری عشق می‌ورزید و تنها نبوغ و هوش سرشارش بود که توانسته بود وی را در دل مردم منطقه جای دهد. هرچند از نظر کسب و کار نتوانست چندان موفق باشد، ولی از نظر رفتار و ادب، درستی و متانت و پاسداری از ارزش‌های فرهنگی این مرز و بوم بسیار موفق بود و عمر با برکتی را پشت سر نهاد.

نخستین اثر او در سال ۱۳۳۴ با نام «ترانه‌ی خوانسار» بدون اعراب و برگردان فارسی منتشر شد و بسیار مورد توجه و اقبال دوستداران ادب فارسی و همشهریان خوانساری قرار گرفت. این مجموعه اگر چه بدون اعراب و برگردان فارسی و خواندنش بسیار مشکل بود، ولی با استقبالی که از آن به عمل آمد، بزودی توانست جای خود را در میان کتابهایی که در زمینه شناخت و گردآوری گویش‌های اصیل زبان دری، انتشار یافته بود باز کند؛ به‌طوری که، در اندک زمانی نایاب شد و مورد توجه محققان و شرق‌شناسان خارج از کشور نیز قرار گرفت. نامه‌های بسیاری از شرق‌شناسان و پژوهشگران ایران، روسیه و سایر کشورهایی که تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران بویژه گویش‌های مختلف آن را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند، به دست شاعر رسید و از این کار او تجلیل بسیار شد.

زنده یاد یوسف بخشی تحقیقات تاریخی بسیاری در مورد شهر خوانسار، آداب و سنن و فرهنگ آن و گویش خوانساری انجام داده و در این باره جمع‌آوری استناد و مدارک متعدد بر آن شده که برای شناخت دقیق و جامع اوضاع تاریخی، اقتصادی اجتماعی و جغرافیایی خوانسار کتابهای زیر را منتشر کند:

- ۱- «تذکره‌ی شعرای خوانسار» شامل شرح حال و آثار شعرای خوانسار.
- ۲- «مشاهیر خوانسار» شامل شرح حال فقها، عرفا، خطباء، موسیقی‌دانان و سایر ارباب فضل و هنر خوانسار.
- ۳- «تاریخ خوانسار» شامل موضوعات تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی این شهر.
- ۴- «خوشنویسان خوانسار» شامل شرح حال و نمونه‌ای از آثار آنها.

با وجود تلاش وافر او، از میان کتابهای فوق، تنها کتاب «تذکره‌ی شعرای خوانسار» در سال ۱۳۳۶ منتشر شد و آثار دیگر ایشان متأسفانه به چاپ نرسید. علاوه بر این، در سال ۱۳۳۸ دو جلد کتاب «خرس و خر یا مشاعره دو شاعر» مشتمل بر مشاعره‌ای زیبا بین او و شاعر معروف گلپایگان، جناب آقای لاهوتی، نیز منتشر گردید، ولی جلد سوم این مجموعه اجازه‌ی انتشار نیافت و تاکنون منتشر نشده است.

او از سال ۱۳۴۱ تا پایان عمر، با انجمن ادبی صائب همکاری نزدیک داشت و با شرکت و حضور در جلسات این انجمن اشعار زیبای خود را قرائت می نمود. در این انجمن که به همت شاعران و نویسندگان موفق آن دوره تشکیل می شد، شادروان بخشی اشعاری را ارائه می کرد، که در ماهنامه‌ی انجمن ادبی صائب هر ماهه منتشر می شد. به راستی که او در سرودن اشعار فارسی نیز کم نظیر بود و به خوبی می توانست از عهده‌ی بیان احساسات و عواطف شاعرانه‌ی خود و همچنین شرح اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر برآید. اشعارش همه شاهکارهایی است از زیبایی و ظرافت و احساس و رساننده پیام‌های عمیق انسانی و عاطفی و پندنامه‌ای است برای نسل جوان.

شاعر گریخته خوانسار اشعار بسیاری به زبان فارسی و گویش خوانساری سروده است که انتشار تمام آنها در یک -لد کتاب امکان ندارد. آنچه که تقدیم دوستداران و علاقه مندان این شاعر گرانمایه می شد، قسمتی از سروده‌های او به گویش خوانساری است. از آنجایی که کتاب «ترانه‌ی خوانسار» مدت کوتاهی پس از انتشار بعلت استقبال شدید همشهریان نایاب گردید و پیوسته مورد درخواست این عزیزان بود. بدان جهت که بدون اعراب و برگردان فارسی منتشر شده بود، لذا اشعار آن کتاب نیز به اعراب و برگردان فارسی، در این مجموعه آورده شده است. برگردان این بخش از کتاب را اندیشمند فرزاد در دست بسیار عزیز شاعر، جناب آقای مرتضی اشرفی، انجام داده اند.

در اینجا لازم می دانم از جناب آقای مرتضی اشرفی و همچنین جناب آقای غلامرضا قیصری که با حوصله و دقت بسیار چندین بار این مجموعه را خرد و صحیح و اعراب گذاری نموده و پانویس هایی فراوان بر آن افزودند، تشکر و سپاسگزاری نمایم. به تردید بدون این همکاری مجموعه‌ی حاضر امکان چاپ نمی یافت. همچنین از سروران گرامی جناب آقای فضل‌اله زهرائی، جناب آقای منوچهر ضیائی و جناب آقای دکتر حسین احمدی، که همه از دوستان نزدیک و از علاقه مندان آثار شادروان یوسف بخشی هستند تشکر می کنم. این مجموعه را مورد بررسی قرار داده و با راهنمایی های ارزنده‌ای که برای اصلاح و چاپ آن کردند، بر غنای این مجموعه افزودند؛ و بویژه از جناب آقای محسن بخشی که همواره مشوق اینجانب در چاپ و ارائه این کتاب بودند و از هیچگونه کمکی در امر چاپ، انتشار و توزیع آن دریغ نورزیدند، تشکر می نمایم.

هرچند تمام سعی و کوشش بر این بوده که این مجموعه، دقیق، کامل و بدون عیب و نقص ارائه شود و کتابی باشد که مورد انتظار شاعر در زمان حیاتش بود، نمی تواند خالی از خطا و اشتباه باشد، ولی امید است که این کتاب با تمام کاستی‌هایش بتواند نقشی هر چند اندک در شناخت شاعر خوش قریحه و شیرین سخن خوانسار و سهم با ارزشش در اشاعه شعر و ادب

فارسی بویژه گویش خوانساری داشته باشد و به نوعی بتواند گویش زیبای خوانساری را زنده نگاه داشته و پاسدار آن باشد و مورد توجه و قبول دوستداران شاعر نیز قرار گیرد. انتقادات و راهنمایی‌های همشهریان ارجمند، دوستان شاعر و خوانندگان عزیز را ارج می‌نهم و بی شک در چاپهای بعدی این کتاب نقدها و دیدگاههای رسیده را به اجرا خواهم گذارد.

محمد جواد بخشی

www.ketab.ir